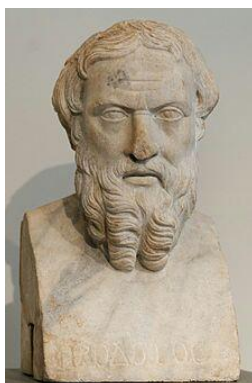




یونان

(سیر حقیقی تاریخ روابط و جنگ های ایران و یونان) بخش سوم

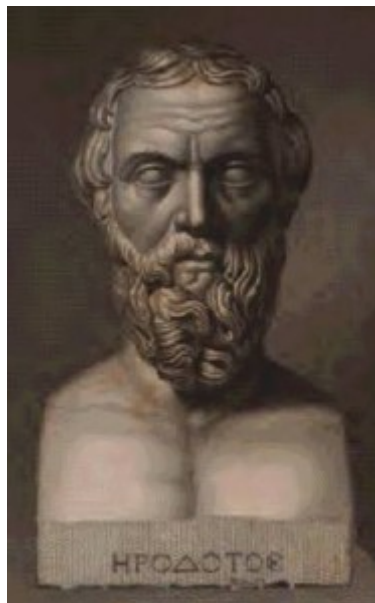
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۶ مهر ۱۳۹۲ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

دان : ((نفرین بر هرودوت خبیث پلید دروغگو)) هرودوت مورخان تاریخ ایران و یونان نکته ای را پیوسته فراموش می کنند و آن این است که بهترین روزهای تاریخ آتن ، روزهای پس از نبردهای ماراتون و سالامیس و پلاته نبود بلکه بهترین روزهای تاریخ آتن از روزی آغاز شد که کالیاس برای درخواست صلح به دربار شوش رفت و پیمان صلح را در سال 499 پیش از میلاد امضاء کرد و این همان پیمانی است که با عادی سازی روابط بین شوش و آتن به آتن اجازه داد که از رقیب خود اسپارت صلح سی ساله به دست آورد و این کار جز با اجازه ایران انجام نمی

دان : ((نفرین بر هرودوت خبیث پلید دروغگو))



هرودوت

مورخان تاریخ ایران و یونان نکته ای را پیوسته فراموش می کنند و آن این است که بهترین روزهای تاریخ آتن ، روزهای پس از نبردهای ماراتون و سالامیس و پلاته نبود بلکه بهترین روزهای تاریخ آتن از روزی آغاز شد که کالیاس برای درخواست صلح به دربار شوش رفت و پیمان صلح را در سال 499 پیش از میلاد امضاء کرد و این همان پیمانی است که با عادی سازی روابط بین شوش و آتن به آتن اجازه داد که از رقیب خود اسپارت صلح سی ساله به دست آورد و این کار جز با اجازه ایران انجام نمی شد.

نکته ی دیگری که مورخان فراموش می کنند این است که اسپارت تنها زمانی به بزرگی و قدرت دست یافت که دوستی ایران را کسب کرد و از کمک ایرانیان بهره مند شد و در این مقام بلند باقی نمی ماند مگر تا زمانی که ((صلح شاهانه)) برقرار بود.



داریوش بزرگ

...

اینکه یونانیان به آسیا می شتابند تا شرایط صلح شاهانه را از یکی از شهریان های شاه بشنوند و همه بیدرنگ سوگند یاد کنند که آن را محترم بشمارند از آن رو بوده که حیثیت سیاسی و اخلاقی آن بی رقیب و عظیم و دست نخورده باقی مانده بوده است و این نه به خاطر طلا و سلاح شاه ایران بود بلکه به دلیل اعتبار و اقتدار شخصی او و از جهت نقش داوری یی بود که پیوسته یونانیان برایش قائل می شدند. این دو امر توجیه شدنی نیستند مگر با توجه به نیروی حیاتی فوق العاده و درخشش تمدنی که در برابر آشور و بابل و مصر فراعنه و آتن و اسپارت و تب و مقدونیه و روم و بیزانس ایستاده و شاهد زوال آنها شده بی آنکه محاسن و فضایل بنیادی خود را از دست بدهد و بی آنکه هیچ گاه از اینکه تمدنی ایرانی با زبان پارسی باشد باز ایستد.



Entekhab.ir

استخا



www.Mihan21.com



تمدنی که هجوم هولناک مقدونی و عرب و درنده خویی وصف ناپذیر مغول و ترک و تاتار را تحمل کرده است بی آنکه مانند بسیاری از تمدن های دیگر برای همیشه نابود شود ، بلکه حتی در پی این تاخت و تاز ها پیروزمند بیرون آمده و این تمدن ایرانی بوده که پیروزمند باقی مانده است. این اسکندر است که ایرانی می شود. عباسیان و چنگیز و تیمور هستند که در فرهنگ و تمدن ایران حل شدند و ایران ، یونانی و عرب و مغول و... نشد و پارس باقی ماند.



تا وقتی که ندانیم چگونه ملتی واحد ، بابل را به مبارزه می طلبد ، مصر فراعنه را زیر فرمان خود در می آورد ، با افتخار در برابر آتن می ایستد ، اسکندر را مجذوب خود می کند و با امپراطوری روم و بیزانس پیروزمندان پیکار می کند ، از تاریخ چیزی ندانسته ایم. من در این نوشتار از ایرانیان سخن خواهم گفت ، همان ایرانیانی که هر کودک غربی در نخستین صفحات کتاب درسی تاریخ خود با نام پارس و ماد و تحت عنوان ننگین ((بربر)) با ایشان آشنا می

شود. می خواهیم ثابت کنم که نبردهای ماراتون و سالامیس هرگز آن اهمیت و معنایی که مورخان آن بر خود می بالند نداشته است... ادامه دارد... بدرود

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «(سیر حقیقی تاریخ روابط و جنگ های ایران و یونان) بخش سوم»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1374/pdf/3-سیر-حقیقی-تاریخ-روابط-و-جنگ-های-ایران-و-3.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹